اخبار

در حکمی از سوی دکتر پزشکیان انجام شد

انتصاب سردار احمدیان به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور در حکمی سردار علی‌اکبر احمدیان، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی را به عنوان نماینده ویژه خود و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور منصوب کرد.

دکتر مسعود پزشکیان در حکمی ضمن انتصاب احمدیان به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور، تصریح کرد: ترکیب و یکپارچگی ۲ بال دولت و ملت، رفع موانع حضور و مشارکت مؤثر آحاد مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شکوفاسازی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی، بالاخص جامعه نخبگانی کشور در دستیابی به اهداف کلان قرارگاه، از اهم انتظارات اینجانب است.

متن حکم رئیس‌جمهور به شرح زیر است:

جناب آقای علی‌اکبر احمدیان

نظر به اهتمام ویژه دولت بر طرح‌های ملی و راهبردی کشور و با عنایت به شایستگی و تجربیات ارزشمند جناب‌عالی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و راهبری نهاد مردمی پیشران، به موجب این حکم به عنوان «نماینده ویژه رئیس‌جمهور و رئیس قرارگاه پیشرفت طرح‌های ملی و راهبردی کشور» منصوب می‌شوید. امید است با اتکال به خداوند متعال و در راستای منویات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و تحقق سیاست‌های کلی نظام، نسبت به راهبری و به کارگیری دستگاه‌های حاکمیتی و قابلیت‌های «نهاد مردمی پیشران» در پیشبرد بهنگام و شایسته این طرح‌ها همت گمارید.

ترکیب و یکپارچگی ۲ بال دولت و ملت، رفع موانع حضور و مشارکت مؤثر آحاد مردم و ایرانیان خارج از کشور و نیز سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و شکوفاسازی و به ثمر نشاندن ظرفیت‌های مردمی، بالاخص جامعه نخبگانی کشور در دستیابی به اهداف کلان قرارگاه، از اهم انتظارات اینجانب است. بدیهی است تمام دستگاه‌های توسعه‌ای مرتبط با موضوع موظف هستند حداکثر همکاری را با جناب‌عالی به عمل آورند. فهرست طرح‌های ملی و راهبردی به پیوست این حکم ابلاغ خواهد شد.

توفیقات روزافزون آن جناب را در انجام شایسته وظایف محوله از درگاه خداوند سبحان خواستارم.

مسعود پزشکیان
رئیس‌جمهوری اسلامی ایران

پزشکیان به انور ابراهیم:

کشورهای اسلامی مانع ادامه جنایات در غزه شوند

رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی تلفنی با نخست‌وزیر مالزی گفت: کشورهای اسلامی با دیپلماسی فعال و فشارهای دیپلماتیک مانع ادامه جنایات در غزه شوند.

مسعود پزشکیان صبح دیروز - چهارشنبه ۱۵ مرداد- در مکالمه تلفنی با انور ابراهیم، نخست‌وزیر مالزی، با تأکید بر لزوم تلاش جمعی کشورهای اسلامی برای جلوگیری از تداوم فاجعه انسانی در غزه اظهار داشت: فجایعی که توسط رژیم صهیونیستی در غزه روی می‌دهد، برای هیچ انسان آزاده‌ای قابل قبول نیست و امیدوارم کشورهای اسلامی با دیپلماسی فعال و فشارهای دیپلماتیک مانع ادامه این جنایات در غزه شوند و برابر آن با انسجام و وحدت و مسؤولانه برخورد کنند.

رئیس‌جمهور یادآور شد: جمهوری اسلامی ایران همواره از حقوق ملت مظلوم فلسطین دفاع کرده است و دیگر کشورهای اسلامی نیز باید موضعی قوی‌تر و فعال‌تر برای حمایت از مردم مظلوم فلسطین و غزه اتخاذ کنند؛ تلاش جمعی در زمینه مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه راهگشا خواهد بود.

پزشکیان با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم صهیونیستی علیه کشورمان، تصریح کرد: گناه ما این است که از مردم مظلوم فلسطین و حقوق انسانی آنها دفاع می‌کنیم و از ظلم و ستمی که به این مردم مظلوم می‌رود، متنفر هستیم؛ مستکبران عالم این را گناه می‌دانند و برای همین به ما فشار می‌آورند.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از این مکالمه خواستار توسعه همکاری‌ها با مالزی و تقویت تعاملات در همه حوزه‌های فی‌مابین ۲ کشور شد.

نخست‌وزیر مالزی نیز در این گفت‌وگوی تلفنی، ضمن محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی در غزه اظهار داشت: دولت مالزی بیانیه شدیداللحنی علیه جنایات اسرائیل در غزه صادر کرده و همچنین تلاش‌های دیپلماتیک وسیعی برای توقف نسل‌کشی در غزه در جریان است؛ امیدواریم با همکاری و همیاری سایر کشورهای اسلامی بتوانیم جلوی این جنایات را بگیریم.

ابراهیم همچنین با تأکید بر توجه ویژه دولت متبوعش به همکاری با جمهوری اسلامی ایران، به دکتر پزشکیان در زمینه تلاش برای تقویت تعاملات در همه حوزه‌ها اطمینان داد و گفت: دولت و ملت مالزی برای جمهوری اسلامی ایران احترام ویژه‌ای قائل هستند. نخست‌وزیر مالزی در پایان ضمن تشکر از دعوت رئیس‌جمهور کشورمان، برای سفر به ایران اعلام آمادگی کرد.

هلند برای نخستین بار اسرائیل را تهدید امنیت ملی دانست

گزارش جدید آژانس دولتی تأمین امنیت و مقابله با تروریسم هلند با موضوع ارزیابی تهدیدات امنیتی هلند برای نخستین بار رژیم صهیونیستی را در فهرست تهدیدات امنیتی هلند آورد. این گزارش تصریح می‌کند اسرائیل با تکنیک‌های دستکاری و جعل در پی اثرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم‌گیران سیاسی هلند است.

همچنین اقدام رژیم برای جمع‌آوری اطلاعات روزنامه‌نگاران هلندی و رهبران تجمع ضداسرائیلی بعد از مسابقه فوتبال مکابی اسرائیل و آژاکس آمستردام، تهدید امنیت ملی برای هلند خوانده شده است.

حکم اعدام جاسوس کلیدی موساد در ایران اجرا شد

مجازات وطن‌فروشی

روزبه وادی که به اتهام جاسوسی و همکاری اطلاعاتی به نفع رژیم صهیونیستی بازداشت و محاکمه شده بود پس از طی فرآیند کامل آیین دادرسی کیفری و تایید و ابرام حکم در دیوان عالی کشور، روز گذشته به دار مجازات آویخته شد.

براساس مستندات پرونده و اقاریر وادی، او نسبت به همکاری با سرویس جاسوسی - تروریستی موساد آگاهی کامل داشته و عامدانه با دشمن صهیونی همکاری کرده است.

این جاسوس در یکی از سازمان‌های مهم و حساس کشور مشغول فعالیت بوده و با توجه به سطح دسترسی‌هایی که داشته به یک سوژه جذاب برای موساد تبدیل شده بود.

روزبه وادی از طریق فضای مجازی جذب موساد شده بود و در ابتدای راه خیانت به کشور در مراحل ارزیابی مختلف افسران موساد شرکت کرده بود. با اتمام مراحل ارزیابی اولیه و احراز هویت روزبه وادی، الکس (نام مستعار یکی از افسران موساد) با توجه به محل فعالیت وادی و سطح دسترسی‌اش اعلام می‌کند مرحله سنجشت خاتمه یافته و تو را به یکی از بهترین بخش‌های موساد معرفی می‌کنم. بعد از مدتی افسر بعدی موساد به نام «کوین» که نقش هدایت او را برعهده داشته با وی تماس می‌گیرد و از اینجا همکاری رسمی وادی با موساد آغاز می‌شود.

با توجه به درخواست روزبه وادی، مقرر می‌شود به جای سیستم پاداش‌محور، ماهانه مبلغی از طریق کیف پول ارز دیجیتال به حساب وی واریز شود. با آغاز رسمی فرآیند همکاری وادی با موساد، کوین ضمن توجیه وی درباره لزوم حفاظت از اطلاعات به او دستور می‌دهد با خرید یک دستگاه گوشی، یک دستگاه لپ‌تاپ و ۲ عدد فلش، ارتباطی امن ایجاد کند. با انجام آموزش‌های فنی و نصب و استفاده از سیستم ارتباط امن به وسیله دستگاه‌های تهیه‌شده توسط وادی، افسر موساد وی را به سمت استخراج و انتقال اطلاعات مهم و طبقه‌بندی‌شده سوق می‌دهد.

■ ملاقات حضوری با افسران موساد در وین

در مرحله بعد، پس از ارسال برخی اطلاعات مورد نظر سرویس، به وادی ماموریت داده می‌شود خود را برای سفر به وین آماده کند. وادی با سفر به وین، پایتخت اتریش، ۵ نوبت با افسران موساد ملاقات می‌کند. وی پیش‌تر نیز به منظور شرکت در دوره‌های آموزشی مرتبط با حوزه کاری خود به وین سفر کرده بود و این بار نیز با هدایت‌های سرویس موساد، به بهانه حضور در یک دوره آموزشی تخصصی به وین سفر می‌کند.

براساس اطلاعات موجود در پرونده و اقاریر صریح وادی، ملاقات‌های او با افسران سرویس جاسوسی موساد با انجام پروتکل‌های امنیتی سطح بالایی انجام می‌شده است، تا جایی که پس از چندین مرحله تغییر و جابه‌جایی مکانی و ملاقات با افراد مختلف در آپارتمانی به اصطلاح امن، متهم البسه خود را خارج کرده و پس از بازرسی بدنی با دستگاه‌های مخصوص لباس مخصوص ملاقات را به تن می‌کند، این بازرسی بدنی مجددا پس از انتقال به مکانی دیگر، آن هم با تغییر چند خودرو و مکان متفاوت پیش از شروع جلسات گفت‌وگو تکرار می‌شود.

طبق اعترافات وادی، پس از برگزاری ۵ ملاقات حضوری با رعایت این سطح از پروتکل و انجام بازرسی، تست روانشناسی و دروغ‌سنجی و آگاهی از صداقت، سلامت اطلاعاتی و وفاداری، جهت همکاری با سرویس اطلاعاتی موساد؛ وادی به افسر مخصوص خود و سایر افسران اطلاعاتی حاضر در آن جلسات وصل می‌شود. وادی در جریان سفر به پایتخت اتریش و ملاقات با افسران موساد، نسبت به انجام ماموریت‌های خود کاملا توجیه شده و برای اجرای دستورات مجددا به تهران بازمی‌گردد. براساس دستورات دریافتی از سرویس، وادی وظیفه داشت به صورت هفتگی تحولات سازمانی و اطلاعات در دسترس خود را برای سرویس ارسال کند و پس از پاسخ به سوالات فنی سرویس پاداش متناسب دریافت کند.

وادی درباره اینکه در ارتباط با افسر مستقیم، تصمیم‌گیر نهایی خود او نبوده است، شرایط را اینگونه تشریح می‌کند: به کوین پیشنهاد دادم یک بسته اطلاعات تجمیعی را که جمع‌آوری کرده بودم به صورت هفتگی ارسال کنم و آنها هم پول من را به مرور پرداخت کنند که افسر موساد با این طرح مخالفت جدی کرد و به من اعلام شد باید به صورت یکجا اطلاعات در دسترس خود را برای او ارسال کنم تا پس از بررسی و ارزیابی پاداش مناسب پرداخت شود. جمع‌آوری اطلاعات و ارسال اسناد طبقه‌بندی‌شده و هر نوع اطلاعاتی که وادی به نحوی می‌توانست به آنها دسترسی پیدا کند، از محورهای همکاری گسترده او با رژیم صهیونیستی بود. وی اطلاعاتی از یکی از دانشمندان هسته‌ای کشورمان که در تجاوز اخیر رژیم صهیونیستی به شهادت رسید را نیز به سرویس جاسوسی موساد ارائه کرده بود.

■ شناسایی و دستگیری در تهران

همزمان با فعالیت‌های روزبه وادی برای موساد، وی پس از بازگشت به تهران در یکی از سفرهایی که با افسر موساد دیدار کرده بود تحت رصد نهادهای امنیتی قرار گرفته و با کشف ارتباطات و نحوه همکاری وی با دشمن، بازداشت می‌شود.

همکاری گسترده آگاهانه با سرویس جاسوسی موساد و تلاش برای ارائه اطلاعات و دریافت پول بابت انجام این ماموریت‌ها باعث شد روزبه وادی براساس حکم دادگاه به استناد ماده ۶ قانون مقابله با اقدامات خصمانه رژیم صهیونیستی علیه صلح و امنیت و مواد ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۶ و ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به اعدام محکوم شود و حکم این وطن‌فروش، دیروز اجرا شد.

کارگروه فشار حداکثری علیه تهران دست به کار شد؛ اکونومیست: باید از صادرات محصولات کشاورزی ایران به کشورهای خلیج‌فارس جلوگیری کرد

کمپین علیه خیار ایرانی

سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران که در سال‌های اخیر شدت گرفته، دیگر تنها به حوزه‌های کلان اقتصادی مانند نفت، بانکداری و تجارت بین‌الملل محدود نمی‌شود. این فشارها حالا به بخش‌های به ظاهر کم‌اهمیت‌تری مانند صادرات محصولات کشاورزی رسیده؛ با هدف بستن تمام منافذ اقتصادی ایران و منزوی کردن تهران در صحنه جهانی. در همین راستا، نشریه اکونومیست در گزارشی هدفمند و مغرضانه که اخیرا درباره صادرات محصولات کشاورزی ایران به کشورهای حاشیه خلیج فارس منتشر کرده، مدعی شده این محصولات «فاسد و سمی» و عاملی زیان‌بار برای اقتصاد منطقه هستند. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که قریب به اتفاق کشورهای جهان، از جمله کشورهای پیشرفته، از طریق صادرات و واردات کالاهای اساسی نیازهای خود را تأمین می‌کنند. این رویه‌ای کاملاً عادی در اقتصاد جهانی است اما اکونومیست با تمرکز بر ایران، این فعالیت را به شکلی منفی و با ادعاهای غیرمستند به تصویر می‌کشد. به همین دلیل باید گفت گزارش اکونومیست بخشی از کمپین گسترده و حساب‌شده آمریکا برای انزوای حداکثری اقتصادی ایران است که حتی کوچک‌ترین روزنه‌های صادراتی کشور، مانند گوجه فرنگی، خیار و بادمجان را هدف قرار داده تا هیچ منفذ اقتصادی‌ای برای ایران باقی نماند.

■ کمپین انزوای حداکثری و بستن تمام روزنه‌های اقتصادی ایران

استراتژی فشار حداکثری آمریکا علیه ایران، به طور سیستماتیک هر روزنه اقتصادی ایران را هدف قرار داده است. این کمپین که ابتدا بر بخش‌های کلیدی مانند نفت، بانکداری و تجارت بین‌الملل متمرکز بود، حالا حتی به صادرات محصولات کشاورزی مانند گوجه فرنگی، بادمجان و هندوانه رسیده است. آمریکا حتی از این روزنه کوچک نیز نمی‌گذرد. به اذعان اکونومیست، «صنعت کشاورزی که معیشت ۲۳ میلیون ایرانی را تأمین و ۸۰ درصد غذای ایرانیان را تولید می‌کند، یک‌پنجم صادرات غیرنفتی کشور را تشکیل می‌دهد». موفقیت ایران در صادرات کشاورزی، برای آمریکا غیرقابل تحمل است و هدف از کمپین زیر ضرب بردن صادرات محصولات کشاورزی ایران نیز قطع کامل دسترسی تهران به ارزهای خارجی مانند دلار و درهم است که برای تأمین کالاهای وارداتی حیاتی ضروری است. به اذعان اکونومیست، «صادرات کشاورزی یکی از معدود راه‌های به دست آوردن کالاهای وارداتی مورد نیاز ایران است. ارزهای خارجی مانند دلار و درهم بشدت کمیاب و در نتیجه بسیار ارزشمند هستند. هر چیزی که این محدودیت ارزی را کاهش دهد، ارزش سرمایه‌گذاری عظیم منابع داخلی را دارد».

این موضوع نشان می‌دهد آمریکا با هدف قرار دادن صادرات کشاورزی ایران، حتی از کوچک‌ترین منابع درآمدی کشورمان مانند صادرات گوجه‌فرنگی و بادمجان نیز نمی‌گذرد تا اقتصاد ایران را به طور کامل فلج کند.

این رویکرد نشان‌دهنده عمق خصومت آمریکا با ایران است. در حالی که کشورهای جهان از طریق تجارت آزاد نیازهای خود را تأمین می‌کنند، آمریکا با اعمال فشار بر متحدانش و استفاده از ابزارهای رسانه‌ای تلاش می‌کند ایران را از این چرخه جهانی خارج کند. گزارش اکونومیست نیز با طرح ادعاهای غیرمستند درباره کیفیت پایین محصولات ایرانی و تأثیرات منفی آنها بر کشاورزی کشورهای مقصد، بهانه‌ای برای اعمال محدودیت‌های جدید فراهم می‌کند. به همین دلیل بیراه نیست اگر بگوییم این گزارش بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر است که هدفش انزوای کامل اقتصاد ایران، حتی در ابتدایی‌ترین سطوح تجارت است.

■ فضاسازی رسانه‌ای با هماهنگی رسانه‌های فارسی‌زبان

فضاسازی رسانه‌ای یکی از کلیدی‌ترین ابزارهای آمریکا در پیشبرد کمپین انزوای حداکثری ایران است و گزارش اکونومیست نمونه آشکار این راهبرد است. اکونومیست مدعی است محصولات کشاورزی ایران به صورت قاچاق و با روش‌های غیرقانونی به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس صادر می‌شوند: «محصولات ایرانی به صورت مخفیانه و در حجم گسترده به مشتریان ناآگاه در سراسر خلیج‌فارس، از جمله کشورهایی مانند عربستان که ادعا می‌کنند هیچ وارداتی از ایران ندارند فروخته می‌شود». این ادعا بدون ارائه شواهد علمی یا آزمایشگاهی، مشخصا زمینه را برای اتهاماتی مانند فسادپذیری یا ناامنی محصولات ایرانی فراهم می‌کند.

نکته جالب توجه آنکه بلافاصله پس از انتشار این گزارش، شبکه ضدایرانی و تروریستی اینترنشنال که خط رسانه‌ای خود را از سرزمین اشغالی دریافت می‌کند، با مانور روی گزارش اکونومیست و پررنگ کردن آن، ادعا کرد محصولات کشاورزی صادراتی ایران «فاسد و سمی» است. این هماهنگی آشکار، بر نقش اینترنشنال و امثال آن به عنوان بازوی تبلیغاتی کمپین آمریکا علیه ایران صحه می‌گذارد. اینترنشنال با برجسته کردن ادعاهای مغرضانه غرب برای مخاطبان ایرانی، نه‌تنها سعی در تخریب اعتبار صادرات کشاورزی ایران دارد، بلکه با ایجاد فشار روانی، افکار عمومی داخل ایران را هدف قرار می‌دهد تا تصویری منفی از توانایی‌های اقتصادی کشور ایجاد کند. مثلا با بزرگنمایی گزارش‌هایی مانند آنچه اکونومیست روی خروجی خود قرار داد، به مخاطبان ایرانی القا می‌کند حتی محصولات کشاورزی کشورشان غیرقابل اعتماد است که این خود بخشی از استراتژی تضعیف روحیه ملی و مشروعیت اقتصادی ایران است. البته تناقض گزارش اکونومیست نیز قابل توجه است. در حالی که این گزارش محصولات ایرانی را «فاسد» می‌خواند، در بخش دیگری اذعان می‌کند: «حجم صادرات ایران در حال افزایش است و کیفیت محصولات نیز بهبود یافته است. ایران که زمانی تنها گوجه فرنگی ساده تولید می‌کرد، حالا در تولید نوع گیلاسی آن که پیچیده‌ترین نوع است، برتری دارد». این تناقض نشان می‌دهد ادعاهای مربوط به فسادپذیری محصولات ایرانی، بیشتر بهانه‌ای سیاسی برای فشار اقتصادی است تا واقعیتی مبتنی بر شواهد.

■ تضعیف اقتصاد ایران؛ از نفت تا گوجه فرنگی

بدون شک همان‌طور که در ابتدا آمد، هدف اصلی کمپین آمریکا، انزوای کامل اقتصادی ایران از طریق مسدود کردن تمام روزنه‌های صادراتی حتی در حوزه‌هایی مانند کشاورزی است که به طور سنتی کمتر تحت تأثیر تحریم‌هاست. صادرات کشاورزی ایران به عنوان یکی از معدود منابع درآمد غیرنفتی، برای اقتصاد تهران حیاتی است. اکونومیست می‌نویسد: «ایران اکنون ۹۰ درصد گل کلم، گوجه‌فرنگی و هندوانه وارداتی امارات را تأمین می‌کند» و «مساحت کشت گلخانه‌ای ایران از اوایل دهه ۲۰۱۰ بیش از ۳ برابر شده است». این موفقیت‌ها برای آمریکا تهدید محسوب می‌شود، زیرا به ایران امکان می‌دهد تحریم‌های نفتی را دور بزند. با این حال، آمریکا حتی از این روزنه کوچک نیز نمی‌گذرد. اکونومیست اشاره می‌کند: «بریتانیا، فرانسه و آلمان تهدید کرده‌اند در صورت عدم از سرگیری جدی مذاکرات هسته‌ای، تحریم‌های خود را بازمی‌گردانند. این وضعیت ایران را وادار کرده راه‌های جدیدی برای پرداخت هزینه کالاهای خارجی مورد نیاز خود پیدا کند».

صادرات کشاورزی به عنوان یکی از این راه‌ها، حالا به هدف اصلی فشارهای آمریکا تبدیل شده است. به همین خاطر نیز اتاق فکر غرب با استفاده از گزارش‌هایی مثل آنچه اکونومیست منتشر کرده و پوشش هماهنگ رسانه‌های فارسی‌زبان تلاش می‌کند کشورهای منطقه و افکار عمومی را علیه تجارت با ایران بسیج کند، حتی اگر این تجارت شامل محصولاتی به ظاهر ساده مانند گوجه فرنگی و بادمجان باشد. مثلا اکونومیست در بخشی از گزارش هدفمند خود مدعی است: «یک تولیدکننده سبزیجات در العین - مرکز کشاورزی امارات - می‌گوید تولید گوجه‌فرنگی‌اش به دلیل اشباع عرضه و افت قیمت‌ها سقوط کرده است. او رویکرد بی‌تفاوت دولت را مقصر می‌داند که کشاورزان محلی را نابود می‌کند». این روایت‌سازی که با پوشش رسانه‌های فارسی‌زبان تقویت می‌شود، به دنبال ایجاد فشار داخلی بر دولت‌های منطقه برای محدود کردن تجارت با ایران است، حتی اگر این محدودیت‌ها به ضرر منافع اقتصادی خودشان باشد. اکونومیست می‌نویسد: «چرا امارات و دیگر کشورهای خلیج‌فارس تهاجم سبز ایران را تحمل می‌کنند؟ شاید امیدوارند واردات ارزان‌قیمت، تورم را پایین نگه دارد». هزینه حمل یک کانتینر میوه از ایران به امارات تنها ۸۰۰۰ درهم (۲۲۰۰ دلار) است، در حالی که این هزینه برای مصر یا ترکیه ۴ برابر است. این مزیت اقتصادی باعث شده امارات به یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان محصولات کشاورزی ایران تبدیل شود. اکونومیست وابستگی بیش از حد به محصولات ایرانی را دستورالعملی برای دردسر می‌داند و محصولات کشاورزی ایران را فاسد معرفی می‌کند اما از مزایای اقتصادی این تجارت برای کشورهای واردکننده، از جمله کاهش تورم و دسترسی به محصولات ارزان‌قیمت و باکیفیت چشم‌پوشی می‌کند. طبق اعلام اکونومیست، «ایران در حال حاضر بر بازار ۱۵ محصول کشاورزی در امارات، از بادمجان تا هندوانه، تسلط دارد و این روند در مقیاسی کوچک‌تر در عمان و قطر نیز دیده می‌شود»؛ موضوعی که در تعارض با فشار حداکثری آمریکا علیه ایران است. خوش‌خیالی است اگر گزارش اخیر اکونومیست در ارتباط با صادرات محصولات کشاورزی کشورمان به کشورهای منطقه را گامی در جهت برجسته کردن این تعارض نبینیم.

آوردگاه ۲ جریان مشروطه

نگاه

ادامه از صفحه اول

برای مثال، در یکی از نامه‌های او که در مجموعه رسائل مشروطیت گردآوری شده، آمده است: «بر عموم ملت ایران واجب است از این نهضت مبارک حمایت کنند تا استبداد ریشه‌کن شود». این همسویی اولیه، نشان‌دهنده وحدت هدف میان این ۲ فقیه در مبارزه با استبداد و تلاش برای برقراری نظم نوین بود.

اما این همکاری با تحولات بعدی مشروطه، بویژه پس از تأسیس مجلس اول و ظهور اختلافات درونی میان مشروطه‌خواهان، دچار چالش شد. شیخ فضل‌الله که در تهران شاهد انحراف برخی مشروطه‌خواهان تندرو مانند سیدحسن تقی‌زاده بود، بتدریج مواضع متفاوتی اتخاذ کرد، در حالی که آخوند خراسانی همچنان از نجف به حمایت از مشروطه ادامه می‌داد.

دلایل این اختلاف را در چند محور می‌توان توضیح داد.

۱- غرب‌شناسی و زمان‌آگاهی

یکی از عوامل اصلی اختلاف میان این ۲ فقیه، تفاوت در سطح آگاهی آنها از فرهنگ و تمدن غرب بود. شیخ فضل‌الله به دلیل حضور در تهران و ارتباط با شخصیت‌های آگاه به مسائل روز، شناخت عمیق‌تری از مبانی فکری و سیاسی غرب داشت. او از طریق افرادی چون حاج میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله، ریاضیدان و منجم برجسته عصر قاجار و علامه میرزا محمدخان قزوینی که در اروپا اقامت داشت، به اخبار و نشریات خارجی دسترسی داشت. برای مثال، نجم‌الدوله نشریاتی را که در خارج از ایران درباره اسلام و ایران منتشر می‌شد، همراه با ترجمه بخش‌هایی از آنها، در اختیار شیخ قرار می‌داد. همچنین شیخ فضل‌الله کار ترجمه و ارسال مطالب مطبوعات اروپایی را به قزوینی که شاگرد سابق او بود و در آن زمان در اروپا به سر می‌برد، سپرده بود. این آگاهی، به او اجازه می‌داد تحرکات مشروطه‌خواهان افراطی را با دقت بیشتری تحلیل کند. در مقابل، آخوند خراسانی که در نجف و دور از مرکز تحولات بود، به اطلاعات دست دوم وابسته بود که اغلب از سوی مشروطه‌خواهان ارسال می‌شد.

شیخ فضل‌الله در یکی از سخنان خود که در تاریخ مشروطه احمد کسروی نقل شده، اظهار داشت: «این آقایان از ایران دورند و حقیقت اوضاع را از نزدیک نمی‌بینند و نامه‌ها و تلگراف‌هایی که به ایشان می‌رسد از طرف مشروطه‌خواهان است و دیگر مکاتیب را به نظر آقایان نمی‌رسانند». این نقل قول، محدودیت اطلاعاتی علمای نجف را بخوبی نشان می‌دهد.

۲- رجال‌شناسی و تجربه زیسته

عامل دوم، تفاوت در شناخت شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی دخیل در مشروطه بود. شیخ فضل‌الله که سال‌ها در تهران حضور داشت، با رجال سیاسی مانند تقی‌زاده، احمد قوام و دیگر مشروطه‌خواهان تعامل مستقیم داشت. این تجربه زیسته، به او بینشی دقیق از نیات و اهداف این افراد بخشید. برای مثال، او از ابتدا نسبت به تقی‌زاده که بعدها به دلیل افکار سکولار و غرب‌گرایانه‌اش شناخته شد، بدبین بود و هشدارهایی درباره انحرافات احتمالی او داد. در مقابل، آخوند خراسانی و دیگر علمای نجف که از این تجربه مستقیم بی‌بهره بودند، تحت تأثیر گزارش‌های یکجانبه قرار داشتند. این تفاوت در رجال‌شناسی پس از شهادت شیخ فضل‌الله آشکارتر شد. سال ۱۳۲۸ قمری، پس از اعدام شیخ شهید، آخوند خراسانی و علمای نجف با پی بردن به انحرافات تقی‌زاده، فتوایی علیه او صادر کردند و خواستار اخراجش از مجلس شدند. در این فتوا که در اسناد مشروطه نیز ثبت شده، تقی‌زاده به دلیل «ترویج افکار ضداسلامی» محکوم شد. این اقدام، تأیید دیرهنگام هشدارهای شیخ فضل‌الله و نشان‌دهنده پشیمانی علمای نجف از اعتماد اولیه به برخی رجال مشروطه بود.

۳- واقع‌گرایی در برابر آرمان‌گرایی

سومین عامل، تفاوت در رویکرد این ۲ فقیه به مشروطه بود. آخوند خراسانی و علمای نجف، با نیت خیر و آرمان‌های بلند، به دنبال تحقق ایده‌آل‌هایی بودند که در شرایط آن زمان ایران چندان عملی نبود. آنها تصور می‌کردند می‌توان با الگوبرداری از نظام پارلمانی غرب، به سرعت به یک حکومت عادلانه رسید، غافل از آنکه این نظام‌ها نیازمند زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی بودند که در ایران آن زمان وجود نداشت. در مقابل، شیخ فضل‌الله که در متن واقعیت‌های روزمره قرار داشت، رویکردی واقع‌گرایانه‌تر داشت. او معتقد بود نهادهایی مانند پارلمانتاریسم غربی نمی‌تواند بدون تطبیق با شرایط بومی ایران موفق شود. به همین دلیل، ایده «مشروطه مشروعه» را مطرح کرد که تلاشی برای تلفیق اصول اسلامی با ساختارهای نوین بود. شیخ در یکی از اعلامیه‌های خود که در روزنامه حبل‌المتین (سال ۱۳۲۵ قمری) منتشر شد، نوشت: «مشروطه‌ای که مخالف شرع باشد، مشروطه نیست، بلکه مشئومه است». این دیدگاه، ریشه در هویت اسلامی و نیازهای بومی ایران داشت اما به دلیل عدم حمایت کافی از سوی علمای نجف و فشار مشروطه‌خواهان افراطی، فرصت تحقق نیافت.

■ فرجام سخن

اختلاف میان آخوند خراسانی و شیخ فضل‌الله نوری که در نهایت به جدایی این دو و شهادت شیخ در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ قمری (۳۱ ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی) منجر شد، تأثیرات عمیقی بر جریان مشروطه داشت. اگر این ۲ فقیه در مسیر مشترکی گام برمی‌داشتند، شاید مشروطه به جای افتادن در دام تندروهای سکولار، به سمت ایده‌ای چون مشروطه مشروعه پیش می‌رفت که می‌توانست تعادلی میان مدرنیته و سنت اسلامی برقرار کند. این تجربه تاریخی، درس‌هایی ارزشمند درباره اهمیت آگاهی از شرایط روز، شناخت دقیق بازیگران سیاسی و واقع‌بینی در مواجهه با تحولات بزرگ ارائه می‌دهد که حتی برای امروز ما نیز قابل تأمل است.